

گزارش روشنگرانه با موضوع:

دخالت خارجی در وقایع ایران با رویکرد حقوق بین الملل

اللَّهُمَّ احْمِ
الْحَمْرَنَ!

ستاد حقوق بشر جمهوری اسلامی ایران

بهمن ماه ۱۴۰۴

مقدمه

در سال‌های اخیر، شاهد شکل‌گیری یک الگوی خطرناک در روابط بین‌الملل هستیم: استفاده گزینشی از ادبیات حقوق بشر برای پوشش دادن و توجیه اقدامات مداخله‌جویانه در امور داخلی دولت‌ها از جمله این الگوها است. این گزارش با تمرکز بر وقایع داخلی ایران نشان می‌دهد که پشت پرده ادعاهای حقوق بشری، یک کارزار هماهنگ خارجی برای تأثیرگذاری بر روندهای داخلی ایران وجود دارد. هدف این تحلیل، عبور از گفتمان احساسی و تمرکز بر مستندات حقوقی نقض اصول مسلّم بین‌المللی، به ویژه اصل عدم مداخله، توسط دولت‌های ثالث است. بررسی حاضر مبتنی بر بند (۴) و بند (۷) ماده ۲ منشور ملل متحد، اعلامیه ۲۶۲۵ مجمع عمومی ۱۹۷۰ و رأی تاریخی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه نیکاراگوئه است.

فصل اول: مستندسازی اشکال نوین مداخله در امور داخلی ایران

مداخله در قرن بیست و یکم، به ندرت به شکل مستقیم نظامی رخ می‌دهد. اشکال پیچیده‌تر «جنگ ترکیبی» یا «اقدامات قهری غیرنظامی» جایگزین آن شده است.

۱. حمایت رسانه‌ای سیستماتیک و جنگ روانی

- شبکه‌سازی رسانه‌ای: ایجاد و حمایت از شبکه‌های رسانه‌ای برون‌مرزی (مانند صدای آمریکا، رادیو فردا، ایران اینترنشنال (که با بودجه مستقیم دولت‌های خارجی (مثلاً از طریق هیأت مدیره رادیو-تلویزیون بین‌المللی ایالات متحده، اداره می‌شوند. این رسانه‌ها غالباً به جای اطلاع‌رسانی بی‌طرف، به تولید محتوای یک‌سویه، تحریک‌آمیز و اغلب حاوی اخبار اثبات‌نشده می‌پردازند که هدف آن تشدید نارضایتی و دعوت به نافرمانی مدنی است.
- الگوریتم‌های جهت‌دار: استفاده از پلتفرم‌های اجتماعی بزرگ برای تقویت اخبار خاص و ایجاد روندهای ساختگی (ترند) علیه دولت ایران. تحقیقات نشان داده است که فعالیت ربات‌ها و حساب‌های جعلی مرتبط با برخی کشورها در فضای مجازی فارسی‌زبان افزایش یافته است.
- دیپلماسی عمومی خصمانه: انتشار بیانیه‌ها و انجام سخنرانی‌های مقامات خارجی که فراتر از ابراز نگرانی کلی گام نهاده و مستقیماً از کنشگران خاص داخلی نام برده و آنان را مورد تشویق قرار می‌دهند. این اقدام، مصداق "تحریک به شورش" در چارچوب رأی دیوان در قضیه نیکاراگوئه است.^۱

^۱ رأی (بند ۲۴۵) «دیوان معتقد است که در حقوق بین‌الملل، اگر دولتی با هدف اعمال اجبار بر دولتی دیگر، از شورشیان در آن کشور در نقض تمامیت ارضی و استقلال سیاسی آن حمایت و کمک کند، یا سازماندهی یا تشویق به سازماندهی نیروهای نامنظم یا گروه‌های مسلح برای تجاوز به قلمرو آن کند، یا در اعمال اختلافات داخلی یا تروریسم در کشوری دیگر مشارکت کند، یا با حمایت از عناصر داخل کشور، براندازی دولت آن را تشویق کند، چنین رفتاری به منزله مداخله در امور داخلی کشور دیگر است» (بند ۲۵۵) «بنابراین دیوان احراز می‌کند که حمایت ارائه‌شده توسط ایالات متحده، تا پایان سپتامبر ۱۹۸۴، از فعالیت‌های نظامی و شبه‌نظامی کنترها در نیکاراگوئه، از طریق پشتیبانی مالی، آموزش، تأمین سلاح، اطلاعات و پشتیبانی لجستیکی، نقض صریح اصل عدم مداخله محسوب می‌شود.» دیوان در بند ۲۴۵ به وضوح "تشویق به براندازی دولت از طریق حمایت از عناصر داخلی" مصداق مداخله غیرقانونی می‌داند.

۲. پشتیبانی مالی و لجستیکی

- تأمین بودجه برای گروه‌های معارض: بر اساس گزارش‌های منتشرشده، بنیادهای وابسته به دولت‌های خاص (مانند بنیاد ملی دموکراسی آمریکا^۲) به طور مستمر به سازمان‌های غیردولتی و گروه‌های اپوزیسیون خارج‌نشین ایرانی بودجه تخصیص می‌دهند. هدف اعلام‌شده این کمک‌ها «تقویت جامعه مدنی» یا «حمایت از دموکراسی» است، اما در عمل این منابع برای تبلیغات ضدحکومتی، آموزش کنشگران و سازماندهی کمپین‌های بین‌المللی فشار استفاده می‌شود.
- ارائه پناهندگی سیاسی و حمایت لجستیکی: ارائه پناهندگی به افرادی که تحت تعقیب قضایی ایران هستند، اگرچه ممکن است تابع قوانین داخلی آن کشورها باشد، اما هنگامی که با تبلیغات سیاسی گسترده و بهره‌گیری ابزاری از این افراد برای مشروعیت‌زدایی از دولت ایران همراه شود از مرز حمایت بشردوستانه فراتر رفته و رنگ مداخله به خود می‌گیرد.

۳. آموزش، سازماندهی و انتقال فناوری

- کارگاه‌های آموزشی برون‌مرزی: برگزاری دوره‌های آموزشی برای کنشگران ایرانی در خارج از کشور تحت عنوان «آموزش رهبری جامعه مدنی»، «مهارت‌های سازماندهی اجتماعی» یا «امنیت دیجیتال». محتوای این آموزش‌ها اغلب حول محور تکنیک‌های مقابله با حکومت، دور زدن فیلترینگ و ایجاد شبکه‌های امن ارتباطی است.
- تأمین ابزارهای امن ارتباطی: ارائه و آموزش استفاده از نرم‌افزارها و ابزارهای ارتباطی رمزگذاری‌شده خاص به افراد داخل ایران. در حالی که حق بر حریم خصوصی محترم است، وقتی این اقدامات به صورت هدفمند برای کمک به سازماندهی فعالیت‌هایی که ممکن است قوانین داخلی ایران را نقض کنند انجام می‌شود، جنبه مداخله‌جویانه پیدا می‌کند.

^۲ NED

فصل دوم: مسؤولیت بین‌المللی دولت‌های مداخله‌گر در حقوق بین‌الملل

بر اساس حقوق بین‌الملل (مسؤولیت بین‌المللی دولت‌ها)^۳، هر یک از اقدامات فوق می‌تواند مسؤولیت بین‌المللی دولت حمایت‌کننده را به دنبال داشته باشد.

۱. انتساب عمل به دولت (مواد ۴ تا ۱۱ پیش‌نویس):

- کنترل مؤثر^۴ اگر دولت خارجی کنترل مؤثری بر کنشگران یا رسانه‌های گیرنده کمک داشته باشد، اقدامات آنان به دولت منتسب می‌شود.^۵ اثبات این کنترل در مداخلات نوین پیچیده است اما غیرممکن نیست.
- دستور یا هدایت^۶ اگر دولت خارجی دستور یا هدایت خاصی برای انجام عمل متخلفانه (مانند سازماندهی آشوب) داده باشد، مسؤول است.^۷
- حمایت و کمک^۸: حتی اگر کنترل کامل وجود نداشته باشد، ماده ۱۶ پیش‌نویس مقرر می‌دارد که دولتی که با علم به شرایط، به دولت دیگر در ارتکاب یک عمل متخلفانه بین‌المللی کمک کند، در صورت وقوع آن عمل، مسؤولیت بین‌المللی دارد. تأمین بودجه و آموزش با علم به اهداف براندازانه می‌تواند مشمول این ماده باشد.

۲. نقض تعهد بین‌المللی: اصل عدم مداخله

عمل متخلفانه بین‌المللی در اینجا، نقض اصل عدم مداخله به عنوان یک قاعده عرفی الزام‌آور و مندرج در منشور است. دیوان بین‌المللی دادگستری در "قضیه نیکاراگوئه ۱۹۸۶" صراحتاً اعلام کرد: اصل منع

^۳ در مواد پیش‌نویس مسؤولیت دولت‌ها برای اعمال متخلفانه بین‌المللی، ۲۰۰۱ تدوین شده است

^۴ Effective Control

^۵ ماده ۸ پیش‌نویس

^۶ Direction and Control

^۷ ماده ۸ پیش‌نویس

^۸ Aid or Assistance

مداخله... شامل حق هر دولت برای تعیین آزادانه نظام سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود بدون مداخله هیچ دولت دیگر است» کمک به گروه‌هایی که قصد تغییر اجباری این نظام را دارند، نقض این اصل است.

۳. تبعات حقوقی مسؤولیت بین‌المللی: دولت ایران به عنوان دولت زیان‌دیده، بر اساس حقوق بین‌الملل حق دارد:

- توقف فوری این اعمال متخلفانه را درخواست نماید.
- درخواست تضمین عدم تکرار^۹ نماید.
- خواستار جبران خسارت^{۱۰} برای آسیب‌های ناشی از این مداخلات (شامل خسارات مادی و معنوی) شود.

^۹ Assurances and guarantees of non-repetition

^{۱۰} Reparation

فصل سوم: مقایسه تطبیقی با رویه بین‌المللی: معیار دوگانه آشکار

بررسی واکنش جامعه بین‌المللی به وقایع مشابه در دیگر کشورها، نشان‌دهنده یک معیار دوگانه فاحش و نقض اصل برابری حاکمیت دولت‌ها است.

۱. مقایسه با واکنش به ناآرامی‌ها در کشورهای متحد غرب:

- اعتراضات "زندگی سیاه‌پوستان مهم است" در آمریکا^{۱۱} ۲۰۲۰: با وجود گستردگی اعتراضات، خشونت‌های محدود و تخریب اموال عمومی، هیچ دولت خارجی به فکر تصویب قطعنامه علیه آمریکا در شورای حقوق بشر نیفتاد. رسانه‌های بین‌المللی عمدتاً بر ریشه‌های اجتماعی اعتراضات تأکید کردند. واکنش دولت آمریکا (از جمله بسیج گارد ملی) به عنوان حق حاکمیتی آن کشور برای برقراری نظم پذیرفته شد.
- اعتراضات "جلیقه زردها" در فرانسه (۲۰۱۹-۲۰۱۸): با وجود خشونت قابل توجه، آسیب به اموال تاریخی و درگیری با پلیس، هیچ کشوری فرانسه را به "نقض سیستماتیک حقوق بشر" متهم نکرد و تحریمی علیه آن وضع نشد.
- اقدامات رژیم صهیونیستی در سرزمین‌های اشغالی: با وجود صدها قطعنامه سازمان ملل، اقدامات عملی و مؤثر سیستماتیک علیه این رژیم به دلیل حمایت قدرت‌های بزرگ، انجام نمی‌شود.
- این مقایسه به وضوح نشان می‌دهد که موضوع، حقوق بشر به معنای عام آن نیست، بلکه استفاده ابزاری و سیاسی از این گفتمان برای تحت فشار قرار دادن کشورهای رقیب ژئوپلیتیک یا مخالف است. این

^{۱۱} این رویداد به یک جنبش اجتماعی گسترده و مجموعه‌ای از تظاهرات‌های سراسری و عمدتاً مسالمت‌آمیز در ایالات متحده آمریکا در سال ۲۰۲۰ اشاره دارد که در واکنش به قتل جورج فلوید، یک مرد سیاه‌پوست غیرمسلم، توسط یک افسر پلیس سفیدپوست در شهر مینیاپولیس در ۲۵ مه ۲۰۲۰ شکل گرفت.

رویکرد اعتبار نهادهای بین‌المللی از جمله شورای حقوق بشر را مخدوش کرده و آن را به عرصه‌ای برای جنگ نیابتی سیاسی تبدیل می‌کند.

جمع‌بندی

مستندات و تحلیل حقوقی ارائه‌شده ثابت می‌کند که یک کارزار مداخله‌جویانه سازمان‌یافته از سوی برخی دولت‌های خارجی علیه حاکمیت و تمامیت ارضی جمهوری اسلامی ایران در جریان است. این مداخله، به‌وضوح ناقض اصل عدم مداخله به عنوان یک قاعده آمره حقوق بین‌الملل است و مسئولیت بین‌المللی دولت‌های عامل را به دنبال دارد. حفظ صلح و امنیت بین‌المللی در گرو احترام به حاکمیت ملی است. مداخله، آتش بی‌ثباتی را شعله‌ورتر می‌سازد و صلح را نه فقط برای کشور هدف که برای کل منطقه به خطر می‌اندازد.

